



## The Mandatory-Qur'anic Foundations and Principles of Waiting from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Abdolhossein Khosropanah<sup>1</sup>

Hesam al-Din Momeni<sup>2</sup>

Received: 06/12/2019

Accepted: 06/01/2020

### Abstract

The idea of "waiting for a savior to reappear" exists in many human societies, and this is one of the most important sources for producing culture and lifestyle for human beings. Therefore, knowing the correct waiting is very important. The present paper seeks to explain the mandatory-Qur'anic foundations and principles of the waiting from the perspective of Ayatollah Khamenei. The mandatory-Qur'anic principles of the waiting in the view of this honorable man are social monotheism, guardianship, the connection of the world and the hereafter, the comprehensiveness of Islam, the innate social man, the authority of truth and human perfectionism. In addition, based on the above principles, social justice, jihad, strengthening rationality, strengthening spirituality and morality, the formation of the Islamic government and the unity of the Islamic community are the mandatory-Qur'anic principles of the waiting in his view. According to the aforementioned principles, from Ayatollah Khamenei's point of view, the waiting is a constructive social waiting. Our method in this research is descriptive-analytical.

### Keywords

Ayatollah Khamenei, social constructive waiting, Mahdism.

---

1. Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. (Author in charge).

khosropanahdezfuli@gmail.com

2. Professor of philosophy and theology, Qom University, Iran. hesamaldin.momeni@gmail.com.

## مبانی و اصول حکمی - قرآنی انتظار از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

عبدالحسین خسروپناه<sup>۱</sup>      حسام‌الدین مؤمنی<sup>۲</sup>  
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵      تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

### چکیده

اندیشه «در انتظار ظهور منجی بودن» در بسیاری از جوامع بشری وجود دارد و یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های تولید فرهنگ و سبک زندگی برای انسان‌ها همین تفکر است؛ بنابراین شناخت انتظار صحیح، از اهمیت فراوانی برخوردار است. مقاله حاضر به دنبال تبیین مبانی و اصول حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است. مبانی حکمی - قرآنی انتظار در دیدگاه این بزرگوار عبارتند از: توحید اجتماعی، ولایت، پیوند دنیا و آخرت، جامعیت اسلام، انسان اجتماعی فطری، حاکمیت حق و کمال‌گرایی انسان. همچنین بر اساس مبانی فوق؛ عدالت اجتماعی، مجاهدت، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق، تشکیل حکومت اسلامی و وحدت امت اسلامی، اصول حکمی - قرآنی انتظار در نگاه ایشان به شمار می‌آیند. بر طبق مبانی و اصول مذکور، انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از: انتظار سازنده اجتماعی. روش ما در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

### کلیدواژه‌ها

آیت‌الله خامنه‌ای، انتظار سازنده اجتماعی، مهدویت.

۱. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). [khosropanahdezfuli@gmail.com](mailto:khosropanahdezfuli@gmail.com)

۲. مدرس فلسفه و کلام دانشگاه قم، ایران. [hesamaldin.momeni@gmail.com](mailto:hesamaldin.momeni@gmail.com)

\* خسروپناه، عبدالحسین؛ مؤمنی، حسام‌الدین. (۱۳۹۹). مبانی و اصول حکمی - قرآنی انتظار از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، (۱)، صص ۱۳۳-۱۵۹. Doi: 10.22081/jm.2020.58361.1014

## مقدمه

مجموعه آموزه‌های اسلام، نظام‌مند و با هم مرتبط هستند و می‌توان این مجموعه را در چارچوب نظریه نظام‌ها مطالعه کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی با بهره‌گیری از آموزه‌های نظام‌مند اسلام، مباحث خود را منظومه‌وار و ناظر به نیازهای ثابت و متغیر انسانی عرضه کرده و می‌کنند (خسروپناه، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۳).

تمام جریان حرکت بشریت در سایه تعالیم انبیا، برای رسیدن به مسیر همواری است که به سوی اهداف والای الهی باشد. رسیدن به این شاهراه اصلی و هموار، آغاز حرکت اصلی و نهایی بشریت محسوب می‌شود که در پی آن، مسیر فراروی انسان‌ها به سوی حقیقت گشوده خواهد بود. ظهور امام زمان علیه السلام همان شاهراه اصلی و همواری است که هدف حرکت تکاملی تمام انبیا است. بدون مهدویت، تمام تلاش اولیای الهی در دعوت به حضرت حق، بی‌فایده و بی‌ثمر می‌ماند. انتظار جزء جدانشدنی مسئله مهدویت است که از جمله کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

مهم‌ترین وظیفه منتظران ظهور منجی موعود، انتظار فرج است؛ اما این یک اصطلاح است که برای پیاده‌سازی این اندیشه در جریان زندگی فردی و اجتماعی منتظران، به شناخت روش‌مند و همه‌جانبه انتظار نیاز است. پژوهش حاضر به دنبال تبیین مبانی و اصول حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن پاسخ سؤالات ذیل است:

۱. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای انتظار دارای چه مبانی حکمی - قرآنی‌ای است؟
۲. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای اصول حکمی - قرآنی انتظار کدامند؟
۳. بر اساس مبانی و اصول حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، چه

تعریفی می‌توان برای انتظار ارائه داد؟

## مبانی حکمی - قرآنی انتظار

باورها و معتقدات فکری انسان‌ها جهت‌گیری و سمت‌وسوی حرکت و رویکردهای انسان را در فرایند زندگی فردی و اجتماعی مشخص می‌کنند. این بخش از افکار و ایده‌ها در اصطلاح «مبانی و زیربنای فکری» نامیده می‌شوند؛ همان‌گونه که رویکردهای فکری مبتنی بر آن را روبنا یا اندیشه می‌خوانند (خسروپناه، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۳۲).

مبانی عبارتند از پایه‌ها، زیرساخت‌ها و گزاره‌های بنیادین هر مقوله‌ای که نظریه‌ها بر آن‌ها مبتنی می‌شوند و با آگاهی و استفاده از این گزاره‌های اصلی، به تبیین مفهوم و متغیر اصلی مان می‌پردازیم.

بر اساس بررسی منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان مبانی حکمی - قرآنی انتظار از منظر این بذرگوار را این چنین دانست:

### ۱. توحید اجتماعی

اسلام هم در پرتو ایمان به خداوند متعال و یگانه‌پرستی ذات یگانه او ندای توحید روانی و درونی سر داد و هم در پرتو جهاد و مبارزه با ناهمواری‌های اجتماعی، فریاد توحید اجتماعی بلند کرد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۱). «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۶۴).

یکی از مبانی حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از توحید اجتماعی؛ بدین معنا که مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق علاوه بر جوانب فردی، در تمام شئون اجتماعی جامعه اسلامی نیز جاری و تأثیرگذار است و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ، مرتبط و متصل به یکدیگر و برخوردار از وحدت (وحدت جهت، وحدت حرکت و وحدت هدف) می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹ الف).

توحید تنها امری ذهنی نیست؛ بلکه یک امر واقعی، یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می‌گوید که در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ نیست؛ بلکه سازنده این عالم و زندگی

است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱). توحیدی که مراد پیامبران و مورد مخالفت مشرکان است، محدود به مفاهیم و اصطلاحات نیست؛ بلکه در سراسر زندگی اجتماعی امتداد دارد. توحید در این نگرش، یعنی حاکمیت الله بر تمام زندگی انسان‌ها. بر این اساس باید در جامعه تنها حاکمیت الهی مستقر باشد و حاکمیت الهی نیز بدین معنا است که: ۱. قوانین الهی در جامعه جاری باشند نه قوانین بشری؛ ۲. آن کسانی که در رأس حکومت هستند از سوی خدا تعیین شده باشند (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۹۱؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۰ الف، صص ۱۰ و ۱۳-۱۵). انبیا به انسان‌سازی فردی معتقد نیستند؛ بلکه بر این باورند که برای ساختن انسان باید محیط مناسب تأسیس کرد تا بتواند فرد را در خویش پروراند. آنان به دنبال کارخانه‌ای انسان‌سازی هستند که به صورت خودکار انسان کامل پیغمبرپسند تحویل دهد؛ جامعه و نظام اسلامی همان کارخانه انسان‌سازی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۳۷۶-۳۹۲ و صص ۵۱۳-۵۳۱). به همین منظور، هدف میانی انبیا، تشکیل جامعه توحیدی و نظام الهی است که با قوانین و مقررات الهی اداره شود. خصوصیت چنین جامعه‌ای این است که با تحقق توحید، زنجیر اطاعت غیر خدا از گردن مردم برداشته می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۲۴۴-۲۶۰).

## ۲. ولایت

ولایت از جمله مبانی حکمی-قرآنی انتظار در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شمار می‌آید که قلمرو آن در دو حوزه است؛ قلمرو نفس انسانی که انسان بتواند اراده الهی را بر نفس خویش ولایت دهد و خود را به ولایت الله داخل کند؛ قلمرو دوم اینکه محیط زندگی را در ولایت الله داخل نموده و جامعه با ولایت الهی حرکت کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۳/۱۹ الف). بنابراین ولیّ دارای دو هدف مهم است که هدف والا، انسان‌سازی می‌باشد و هدف متوسط، عبارت است از تشکیل جامعه توحیدی، نظام الهی، حکومت خدا و تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، صص ۴۸-۴۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۴/۱۰ الف و ۱۳۷۶/۰۲/۶ الف).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای هدف خلقت انسان رسیدن به ولایت الهی است که برای تحقق آن، لازم است همه نیروهای داخلی جامعه به سمت حاکمیت توحید و کسب

رضایت حضرت حق بسیج شوند. در این میان، قلب جامعه که تمام نیروها را هم‌سو نموده، آن‌ها را از پیوند با طاغوت ایمن می‌کند، امام است. مردم با پیوند با این نقطه مرکزی، به سوی حاکمیت الهی حرکت کرده، با حفظ انسجام و پیوند درونی خویش (ولایت مؤمنان) راه نفوذ جبهه باطل را سد می‌نمایند. بر این اساس، لازمه حاکمیت توحید، تحقیق ولایت در لایه‌های گوناگون است و سه لایه اصلی ولایت (پیوند مردم با قلب امت اسلامی یعنی امام، پیوند مؤمنان با یکدیگر و قطع پیوند با کفار) است که زمینه‌ساز تحقق ولایت الهی در جامعه می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۵۳۸-۵۵۰).

جامعه دارای ولایت، تمام استعدادهای انسانی را رشد می‌دهد، آنچه برای کمال و تعالی انسان است را بارور می‌کند و انسان‌ها را به تکامل می‌رساند. ولی، جامعه را در مسیر ذکر الهی قرار داده، عدالت اجتماعی را محقق می‌کند و برای نشر نیکی‌ها و ریشه‌سوز کردن بدی‌ها می‌کوشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۵۶۸). «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج، ۴۱).

### ۳. پیوند دنیا و آخرت

بر اساس منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پیوند دنیا و آخرت یا دنیای برای آخرت، یکی دیگر از مبانی انتظار به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب به اصالت دنیا و اصالت آخرت با ترجیح رستگاری اخروی معتقد است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف). زندگی انسان با مردن تمام نمی‌شود و پس از مرگ، حیات همچنان تداوم دارد. انسان بعد از مرگ، نابوده نمی‌گردد؛ بلکه وارد مرحله جدیدی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف). در واقع، دنیا و هر آنچه در آن است، مقدمه حیات بعد از مرگ می‌باشد و آنچه انسان در اینجا انجام می‌دهد؛ مقدمه‌چینی برای حیات ابدی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰؛ ۱۳۷۶/۰۳/۰۶ ب) «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۶۷).

یکی از آفات دین‌داری، محدود کردن دین به امور و زندگی شخصی است و اینکه دین عرصه وسیع زندگی جمعی انسان‌ها و جامعه را فراموش یا در باره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)؛ در حالی که اسلام، انسان را دوساحتی می‌داند

و معتقد است که نه دنیای انسان به توهم آخرت‌گرایی باید مورد غفلت واقع شود، و نه آخرت باید به منظور دنیا‌گرایی فراموش بشود؛ بلکه هم دنیا و هم آخرت آن‌ها باید آباد گردد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

اگر بشر بخواهد سیر کمال را داشته باشد، تنها با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن است و بر این اساس خداوند می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره، ۲۹)؛ پس سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست و با بهره از استعداد‌های ماده است. بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف).

#### ۴. جامعیت اسلام

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است اگرچه اسلام دارای بعد الهی، معنوی و اخلاقی است، در عین حال ناظر به زندگی مردم است و بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز در اسلام وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴ الف). این بزرگوار دیدگاه افرادی را که اسلام را به مسائل آخرتی محدود کرده‌اند (بازرگان، ۱۳۷۷، صص ۱۳۷ و ۱۹۱؛ سروش، ۱۳۷۶، صص ۱۸۱ و ۱۹۶) نپذیرفته و معتقد است که اسلام هم به جنبه‌های معنوی و آخرتی اهتمام ورزیده و هم به جنبه‌های مادی و دنیایی پرداخته است. قرآن به ما می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶). ایمان و تقوا که باشد، برکات آسمان و زمین جاری خواهد شد. برکات آسمان، همان فتوح معنوی، رحمت الهی، تقرب الی الله، استغفار فرشتگان آسمان و حاملان عرش برای بندگان خدا در روی زمین است. برکات ارض، یعنی همه آنچه که به زندگی زمینی انسان ارتباط پیدا می‌یابد؛ مانند آزادی، رفاه، استقلال، امنیت، وسعت رزق و سلامت بدن. اگر ایمان و تقوا باشد، هم آن برکات و هم این برکات برای بشر وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴ ب).

برخی اسلام را تنها محدود به جنبه فردی انسان دانسته و بعد اجتماعی و سیاسی را از اسلام گرفته‌اند؛ در حالی که نخستین کار پیامبر مکرم ﷺ در آغاز هجرت و پس از

رهایی از تنگناها و محدودیت‌های مکه، بنای جامعه اسلامی، تشکیل حکومت و نظام اسلامی، تشکیل لشکر و نامه‌نگاری به سیاست‌مداران و قدرت‌های بزرگ آن روز بود. نگاه اسلام فردی که به عبادت قرآن ایمان می‌آورند و در عین حال، به سیاست قرآن ایمان نمی‌آورند، مصداق «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر، ۹۱)؛ کسانی که قرآن را تکه پاره می‌کنند» است.

انجام فعالیت سیاسی، استقرار عدالت اجتماعی در جامعه و تشکیل نظام اسلامی، هدف تمام پیغمبران الهی است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). در اسلام دین و دولت هر دو از یک منبع و منشأ (وحی الهی) سرچشمه می‌گیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه، ۷۳؛ تحریم، ۹)؛ در مقابل دشمن، مهاجم و آن کسی که مانع از گسترش انوار معنویت و وحی می‌باشد، لازم است با دست پولادین، مشت آهنین و اراده شکست‌ناپذیر و خلل‌ناپذیر باید مواجه شد «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (حدید، ۲۵).

از سوی دیگر، عده‌ای اسلام را فقط سیاست، سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری می‌دانند و اخلاق، معنویت، محبت، فضیلت و کرامت را که بزرگ‌ترین هدف بعثت پیغمبر اسلام ﷺ است، ندیده می‌گیرند. این هم «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر، ۹۱) و «تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكَفُرُ بِبَعْضٍ» (نساء، ۱۵) است. اسلام را در جملات براق و مشعشع سیاسی خلاصه کردن و خشوع، ذکر، صفا، معنویت، به خدا دل بستن، اشک ریختن در مقابل عظمت پروردگار، صبر، گذشت، رحم و... را نادیده گرفتن و فقط به سیاست چسبیدن هم همان انحراف را دارد: «يَزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» هم تزکیه است، هم تعلیم است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۱۰/۱۱ ب).

## ۵. انسان اجتماعی فطری

یکی دیگر از مبانی حکمی-قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در مسئله انتظار و مهدویت، این است که این عالم حکیم، اجتماعی بودن انسان را امری فطری دانسته و معتقد است اسلام



از دو زاویه به انسان توجه کرده است و این دو نگاه، مکمل و انسجام‌بخش همدیگر هستند:

الف. نگاه به فرد انسان است که او را به عنوان یک موجود دارای عقل و اختیار نگاه می‌کند، مخاطب قرار می‌دهد، از او مسئولیتی می‌خواهد و به او شأنی می‌دهد. در اینجا انسان رهروی است که در راهی حرکت می‌کند؛ اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد می‌کند و به خدا می‌رساند «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْهِ» (انشقاق، ۳۰). این راه صحیح و صراط مستقیم عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی؛ یعنی انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. وظیفه هر فرد این است که در این راه حرکت کند «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده، ۳۰)؛ حرکت از ظلمت خودخواهی به نور توحید.

ب. نگاه دیگر به انسان، به عنوان یک کل و مجموعه انسان‌ها است. در این نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه خدا در زمین معرفی گردیده (بقره، ۳۰) و یک وظیفه دیگری نیز به او واگذار شده و آن وظیفه مدیریت دنیا است «وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱). همین انسان، مأمور است که دنیا را آباد کند؛ یعنی استعدادهای فراوان و غیر قابل شمارشی را که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، استخراج و از آن‌ها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند.

همچنین انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود انسان گذاشته شده که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند. در این نگاه کلان، تمام افراد بشر مخاطب هستند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، حکومت حق، روابط انسانی، دنیای آباد، دنیای آزاد و... بر عهده تمام افراد انسان است. در این نگاه، انسان همه‌کاره این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت، تزکیه و تعالی خود، هم مسئول ساختن دنیا (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

انسان در اسلام، موجودی اجتماعی و مسئول است و شخصیت واقعی او در اجتماع ظهور و بروز می‌یابد. قرآن کریم علاوه بر اهتمام به زندگی فردی، به زندگی جمعی نیز

تأکید فراوانی کرده و بخش مهمی از آیات، ناظر به این مطلب هستند. دقت و تأمل در آیات قرآن نشان می‌دهد که اجتماعی بودن انسان، یک امر فطری است که به اثبات و استدلال نیازی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۹۲) چراکه زندگی انسان در طول تاریخ، اجتماعی بوده است (حجرات، ۱۳) و بر اساس استعدادها و توانمندی‌ها، با یکدیگر تعاون، همکاری و روابط متقابل دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، صص ۹۹-۱۰۰).

## ۶. حاکمیت حق

بر اساس منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از مبانی حکمی - قرآنی انتظار، عبارت است از حاکمیت حق؛ بدین معنا که از منظر اسلام و بینش اسلامی، جریان حتمی و تردیدناپذیر عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است. همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهايش می‌تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است و این مهم در زمان ولی عصر - ارواحنا فداه - محقق خواهد شد؛ اما همه این تلاش‌ها بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، غلبه صلاح بر فساد و قوای خیر بر قوای شر می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف).

سرنوشت زندگی بشر در جهت اراده الهی و در سمت کمالی می‌باشد که خدای متعال حد اعلای آن کمال است؛ یعنی تاریخ بشر و زندگی انسان به صورت قطعی و ناگزیر به سمت چنین فرجامی در حرکت است و هیچ تلاشی نمی‌تواند مانع آمدن آن روز بشود (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۱/۲۴ الف). خداوند می‌فرماید: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) نیز «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف، ۱۲۸).

مهدویت بشارت‌دهنده ایجاد یک جهان توحیدی می‌باشد که بر اساس عدالت و با استفاده از تمام ظرفیت‌های اعطایی به انسان، ساخته و پرداخته شده است. دوران ظهور حضرت مهدی (عج) دوران جامعه توحیدی، حاکمیت توحید، حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌ها و استقرار عدل به معنای کامل و جامع آن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

## ۷. کمال‌گرایی

آفریده‌های خداوند، مراتب و درجاتی دارند و انسان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی، اشرف مخلوقات و خلاصه و عصاره عالم وجود است. هر چیزی که از عوالم غیب و شهود، در جهان هستی موجود است، در انسان نیز وجود دارد؛ تا آنجا که انسان را مظهر اسم اعظم و جامع تمام اسما و صفات الهی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۹۲، صص ۷-۹؛ اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۷).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای انسان بر طبق طبیعتش تابع و متمایل به کمال است. اگر انسان بتواند کمال را در خود ایجاد کند، چنین می‌کند؛ وگرنه به کسی که صاحب کمال است، گرایش می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۳/۱۳ الف). انسان استعداد دارد به آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما سایر موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴)، «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که اعضای بدنش با یکدیگر تناسب دارند؛ زیرا این مخصوص انسان نیست. بهترین تقویم بدین معنا است که در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد و تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست و می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه این‌ها بالاتر برود (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

دین اسلام، انسان را برترین آفریده و جانشین خدا و محور جهان (لقمان، ۲۰؛ جاثیه، ۱۳؛ اسراء، ۷۰) می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱ ب). انسان به عنوان یکه‌سواری است که می‌تواند در محدوده عظیم جهان، خرد خویش را به کار انداخته، تکامل حقیقی و مرتبه قرب را در این دنیا به چنگ آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۵/۰۵ ب).

## تعریف انتظار بر اساس مبانی حکمی - قرآنی

بر اساس آنچه بیان شد، مبانی حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از: توحید اجتماعی، ولایت، پیوند دنیا و آخرت، جامعیت اسلام، انسان اجتماعی فطری، حاکمیت حق و کمال‌گرایی انسان. بر اساس این مبانی، انتظار یعنی امید و توقع به ظهور

ولی خدا تا او در سایه توحید اجتماعی حضرت حق به تشکیل حکومت اسلامی همت گمارد. همچنین با جهت‌دهی و استفاده از انسان‌هایی که به طور فطری اجتماعی هستند و اجرای اسلام جامع‌نگر و حقیقی در دنیای پیوندخورده به آخرت، جامعه توحیدی و حاکمیت نهایی حق را برقرار کند و تحت حاکمیت حق، تمام استعداد‌های انسان‌ها را به ظهور و بروز رسانده، آنان را به کمال نهایی و قرب الهی برساند.

### اصول حکمی - قرآنی انتظار

اصول بر اساس مبانی و با نگاه به اهداف طرح‌ریزی می‌شوند. در واقع با تکیه بر مبانی و برای رسیدن به اهداف، یک‌سری اصول طراحی می‌شوند که ما را به عمل نزدیک‌تر می‌کنند. اصول، حقایق نظری صرف نیستند؛ بلکه با عمل مرتبط هستند.

پس اصول، استوار بر مبانی و مؤخر از مبانی هستند و بر اساس آن‌ها استخراج می‌شوند؛ سپس مرحله پیاده‌سازی دیدگاه‌ها آغاز می‌گردد. بر اساس مبانی حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان به تعدادی اصل حکمی - قرآنی رسید که این اصول منتظران مهدی موعود را در نزدیک‌شدن به منتظر واقعی و شبیه‌شدن به منتظر یاری می‌کنند. اصول حکمی - قرآنی انتظار در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از:

#### ۱. عدالت اجتماعی

یکی از اصول حکمی - قرآنی انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای برقراری عدالت اجتماعی است. اسلام در حوزه اجتماعات، اهتمام بسیار زیادی به عدالت دارد و هدف و غایت حرکت جامعه اسلامی را تشکیل جامعه عادل می‌داند؛ آنچنان که در بیشتر روایات، ادعیه و زیاراتی که درباره حضرت بقیة الله الاعظم وجود دارد، به دنبال مسأله ظهور و قیام آن حضرت، عبارت «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳۸) آمده است؛ یعنی خداوند به وسیله ایشان، زمین را پر از قسط و عدل می‌کند. البته خدا به وسیله امام زمان، زمین را از دین خودش هم پُر می‌کند؛ اما آن چیزی که در درجه نخست مطرح و بر آن تأکید شده، قسط و عدل است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲ الف؛ خامنه‌ای،

۱۳۷۲/۰۶/۰۳ ب). انتظار ظهور حضرت حجت به معنای انتظار برای پرشدن جهان از عدالت و رفع ظلم از صحنه زندگی بشر است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۸ ب؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸ الف).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو حیات اجتماعی، عدالت اجتماعی به عنوان هدف معین شده است: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). «قسط» با «عدل» فرق می‌کند؛ عدل یک معنای عام است و همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی، عمومی، جسم، جان و همه حوادث دنیا وجود دارد؛ به معنای یک موازنه و رفتار صحیح و معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن است. قسط، همین عدل در مناسبات اجتماعی، و در حقیقت، «عدالت اجتماعی» است. اگرچه حرکت کلی انبیا به سمت آن عدالت به معنای کلی است: «بالعدل قامت السموات و الارض» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۷)؛ اما آن چیزی که برای بشر مسئله است و بشر تشنه آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط، یعنی اینکه عدل، خُرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید و انبیا برای این آمدند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱ ب؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹ ب).

## ۲. مجاهدت

جامعه‌ای که به خداوند معتقد است و به مهدویت باور دارد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود و از میدان خارج نمی‌گردد (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ ب). قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (فضلت، ۳۰). «رَبُّنَا اللَّهُ» یعنی اعتراف به عبودیت و تسلیم در مقابل خدا که این، امر خیلی بزرگی است؛ اما کافی نیست. وقتی می‌گوییم «رَبُّنَا اللَّهُ»، برای همین لحظه‌ای که می‌گوییم، خیلی خوب است؛ اما اگر «رَبُّنَا اللَّهُ» را فراموش کردیم، «رَبُّنَا اللَّهُ» امروز ما دیگر برای فردای ما کاری صورت نخواهد داد. پس می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَقَامُوا»؛ پایداری و استقامت کنند و در این راه باقی بمانند. این است که موجب می‌شود «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ»؛ و گرنه با یک لحظه و یک برهه خوب بودن، فرشتگان خدا بر انسان نازل نمی‌شوند، نور هدایت و دست کمک الهی به سوی انسان دراز نمی‌گردد و انسان به مرتبه «عباد صالحین» نمی‌رسد. باید این را ادامه داد و

در این راه باقی ماند: «ثم استقاموا». اگر بخواهید این استقامت به وجود آید، باید به طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷ الف).

مهدی موعود ملت‌ها نمی‌آید که ستمگران عالم را نصیحت نماید تا ظلم، زیاده‌طلبی، سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. برای استقرار عدالت (چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد- و چه در همه بخش‌های دنیا) انسان‌های عادل، صالح و عدالت‌طلب باید قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، با زبان نصیحت نمی‌شود سخن گفت؛ بلکه با آن‌ها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آنکه می‌توانستند طرفداران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آن‌گاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند.

قرآن کریم می‌گوید: خدای متعال تمام پیغمبران را «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) فرستاد و بدون درنگ می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» (حدید، ۲۵)؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گویند، با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، توسط بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند معارضه و مبارزه می‌کنند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می‌گذاشتند: «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ ب).

بر این اساس، منتظران حضرت مهدی می‌دانند که برقراری عدالت با موعظه و نصیحت حاصل نمی‌شود و نیازمند مبارزه با قدرت‌طلبان است. خداوند در قرآن همراه با دعوت و نصیحت پیامبران، از مبارزه ایشان با طاغوت سخن می‌گوید؛ به همین دلیل اعتقاد به مهدویت، سبب حضور در صحنه، تلاش و مبارزه افزون می‌شود؛ نه بی‌تفاوتی یا تسلیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ ب). کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود، زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ ب).

اعتقاد به مهدویت همچون روح در کالبد و خون در بدن؛ سبب حیات امت‌ها و خسته نشدن آنان از تلاش و مبارزه می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). یکی از برکات اعتقاد به مهدویت و انتظار، این است که انسان احساس اطمینان، قوت قلب و قدرت می‌کند و توانایی مواجهه و مبارزه با استکبار و استعمار را می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است. البته تحقق کامل آن در زمان حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ الف)؛ اما در صورتی که انسان مجاهدت کند و در مسیر عمومی عالم باشد، حق ندارد ناامید شود؛ چون به یقین، پیروزی در انتظار او است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۷/۱۵ ج). پس انتظار به انسان آموزش می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. بدون انتظار و امید، مبارزه معنا ندارد و اگر اطمینان به آینده نباشد، انتظار، بی‌معنا است (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲ ج).

«ما منتظریم»؛ یعنی این امید و روشنی را داریم که با تلاش، مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران، قلدران و زورگویان پُر شده است، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش‌های انسانی محترم خواهد بود و ظلم و تجاوز در آن جایی نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

### ۳. تقویت عقلانیت

فکر انسان، عزیزترین پدیده عالم وجود است. خداوند متعال در اشاره به تعقل می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ يَرْيَكُمُ الْبُرُوقَ حَوْفًا وَطَمَعًا وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم، ۲۴). قطعاً در این شگفتی‌های آفرینش، نشانه‌هایی است برای مردمی که تعقل می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۵/۰۶).

تقویت عقلانیت از اصول حکمی - قرآنی انتظار در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. عقلانیت، یعنی حاکم کردن نیروی خرد انسانی بر آرا و اعمال انسان، تا راه را با این مشعل تشخیص دهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد. در سرتاسر قرآن و تعالیم نبوی، تکیه بر عقل، تأمل، تدبر، تفکر و این‌گونه تعبیرات است. حتی قرآن از زبان مجرمان

در روز قیامت می‌فرماید: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک، ۱۰). چون ما به عقل و خرد خود مراجعه نکردیم و گوش و دل ندادیم، به این سرنوشت ابدی تلخ مبتلا شدیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹). صاحب تفسیر تبیان معتقد است که در این آیه مراد از تعقل، عمل به دستورات و اوامری است که خداوند متعال، انسان را به آن‌ها فراخوانده است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۶۲).

پیامبر مکرم ﷺ می‌فرماید: «وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳)؛ خدای متعال هیچ پیغمبری را در طول تاریخ به میان مردم نفرستاد، مگر بدین هدف و مقصود که خرد را در میان مردم کامل کند. امیرالمؤمنین عليه السلام نیز تعبیر «و یثروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱) دارند؛ یعنی تا گنجینه‌های خرد را در میان انسان‌ها برانگیزانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای اولین کار پیامبر مکرم ﷺ تحریک عقل بر شوراندن قدرت تفکر و تقویت قدرت تفکر در یک جامعه است. عقل، انسان را به دین سوق می‌دهد. عقل، انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند و او را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل‌دادن به دنیا بازمی‌دارد؛ بنابراین تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه، اولین کاری است که باید انجام گیرد و تکلیف ما به عنوان منتظران ظهور نیز همین است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

#### ۴. تقویت معنویت و اخلاق

اساس خلقت انسان، سیر معنوی است و سایر چیزها مقدمه هستند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷). هدف آفرینش بشر و هدف «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا» (انشقاق، ۶) لقاء الله و ملاقات با خداوند است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳). اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پایین‌تر رود، انسان دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷ الف).

معنویت اسلامی در مقایسه با تمایلات دنیایی و آخرتی انسان، دارای جامعیت است. این نوع معنویت به معنای نادیده‌انگاشتن خواسته‌های بشری یا سرکوب کردن آنها



نیست؛ بلکه آنها را بر اساس هدف خلقت و فطرت انسانی اعتدال و جهت می‌بخشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، صص ۱۳۱-۱۳۳).

معنویت در وجود یک انسان، مایه هدف‌دار شدن است و زندگی او را معنادار کرده، به آن جهت می‌دهد. همچنان که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه، ملت و کشور را جهت‌دار می‌کند و به تلاش و مبارزه‌ی آنها معنا می‌دهد و برای آنان هویت می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷ الف)، تهیدستی از اخلاقیات نیز انسانیت را به پریشانی می‌کشاند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱).

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء، ۱۰۵ و ۱۰۶). مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند که باید خویش را آماده کرده، منتظر باشند و لازمه انتظار، آماده‌سازی خود است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنان و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰ ب).

کسی که به مهدویت و انتظار اعتقاد دارد، چون با مرکز تفضلات الهی، نقطه اصلی و کانون اشعاع رحمت حق رابطه‌ای روحی برقرار می‌کند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب إلى الله دارد. به همین دلیل است که اهل معنا و باطن در توسلات معنوی خویش، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسل می‌جویند و توجه می‌کنند. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را- از جهت روحی و معنوی- فراهم می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ ب).

## ۵. تشکیل حکومت اسلامی

اگر نظام اجتماعی اسلام شکل نگیرد، نمی‌توان تأثیر افکار و احکام اسلامی را در زندگی انسان نشان داد و کلمه حق الهی را بر انحراف‌ها و بی‌عدالتی‌ها حاکم کرد. پس

از برقراری نظام اسلامی، می‌توان حقانیت دعوت نبوی را که ساختن دنیای جدید و برهم زدن نهادهای باطل است، مشاهده کرد. اگر نظم اجتماعی برخاسته از یک مکتب و اندیشه، به گسترش عدالت و رواج ارزش‌های انسانی منجر نشود، نشانه بطلان آن مکتب است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹ ب).

مهم‌ترین هدفی که نظام اسلامی دنبال می‌کند، این است که از یک جهت، انسان را به مقام خلیفه‌اللهی برساند و از سوی دیگر، جامعه اسلامی را به مدینه فاضله ایده‌آل تبدیل کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲). نظام سیاسی دینی به دست پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تأمین دو هدف تشکیل شد؛ هدف اول، تکامل افراد بشر است و هدف دوم، اینکه جامعه بشری و تاریخ بشر یک قدم به سمت آن کمالی که در جهت آن حرکت می‌کند، نزدیک‌تر شود و هدف دوم مهم‌تر است (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۷/۱۷ الف).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل حکومت اسلامی جزو اصول حکمی - قرآنی انتظار به شمار می‌آید. با الگوگیری از جامعه مهدوی و استفاده از معیارهای روشن آن، باید به دنبال تشکیل حکومت اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور ایشان بود (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۲۱ ج)؛ بنابراین انتظار به معنای اقدام در جهت استقرار حاکمیت توحید است که تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت می‌باشد. انتظار به معنای کمر بستن و آماده‌بودن برای قیام امام زمان علیه‌السلام است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۰۲ ج).

بر اساس روایات، شیعیان در دوران غیبت همواره دچار امتحان و غربال‌گری می‌شوند، تا اینکه عده بسیار اندکی از ایشان باقی می‌مانند (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۵). مقصود از امتحان، تلاش و زمینه‌سازی شیعیان برای تشکیل حکومت اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ ب) که حکومت اسلامی تا زمان قیام قائم باید بر محوریت ارزش‌ها و معیارهای الهی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۳/۰۸).

## ۶. وحدت امت اسلامی

به باور آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد وحدت امت اسلامی، یکی دیگر از اصول حکمی - قرآنی انتظار به شمار می‌رود. تشکیل امت واحدی که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و

وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است که در سایه آن، نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌شود و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هریک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶).

اسلام محور وحدت کلمه است «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳). به ریسمان الهی چنگ بزنید و بر محور اسلام متحد شوید. این اتحاد، علاج تمام دردها و کوبنده تمام دشمنان است (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۲۱). وحدت، یک اصل اسلامی است؛ یعنی اعتصام به حبل الله، جمیعاً و مجتمعاً لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تک‌تک ممکن نمی‌شود: «وَلَا تَفَرَّقُوا» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۷/۱۱). حتی در اعتصام به حبل الله و چنگ زدن به مستمسک و ریسمان الهی را که رابطه‌ای بین بنده و خدا است و به نظر می‌رسد باید یک رابطه فردی باشد، «جمیعاً» می‌فرماید. کاری را همه با هم انجام دهید و با هم به خدا اعتصام کنید (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

اگر دل‌ها با یکدیگر متحد گردید و اختلاف‌انگیزی‌های ساخته دست دشمنان امت اسلامی و دشمنان اسلام از میان برداشته شد، آن وقت دست‌ها، قدم‌ها، توان‌ها و فکرها هم در یک جهت واحد قرار می‌گیرند و در مواجهه با جبهه عظیم مقابل با اسلام و امت اسلامی از خود، کارایی نشان خواهد داد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۶/۱۹). امروز، روز اخوت عملی در تمام عرصه‌ها و در برابر همه فتنه‌ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام است، روز اجابت دعوت الهی در تمام زمینه‌ها است، روزی است که باید آیات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)، «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ كَسَتْ مُؤْمِنًا» (نساء، ۹۴) و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) را بار دیگر بر دل‌های خویش تلاوت کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹).

### تعریف انتظار بر اساس اصول حکمی - قرآنی

بر اساس مطالب مذکور، عدالت اجتماعی، جهاد، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق، تشکیل حکومت اسلامی و وحدت اجتماعی، اصول حکمی - قرآنی انتظار در

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌شمار می‌روند. طبق این اصول، انتظار به معنای تلاش و مجاهدت انسان‌ها و مسلمان‌های حق‌جو است که از طریق برپایی حکومت اسلامی، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق و تشکیل امت واحده اسلامی در پی برقراری عدالت فردی و اجتماعی هستند و برای ظهور مهدی موعود عجل‌الله فرجه زمینه‌سازی می‌کنند.

### انتظار سازنده اجتماعی

به باور ما برای فهم صحیح انتظار از منظر هر فرد، ابتدا باید مبانی و اصول او در این حوزه را بدانیم؛ بنابراین از مجموع مبانی و اصول فوق، تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از اصطلاح انتظار مشخص می‌شود. بر اساس مبانی و اصول حکمی - قرآنی این رهبر فرزانه، انتظار یعنی «تلاش، مبارزه و مجاهدت انسان‌ها و مسلمان‌های حق‌جو در جهت برپایی حکومت اسلامی، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق و تشکیل امت واحده اسلامی برای برقراری عدالت فردی و اجتماعی و زمینه‌سازی ظهور، و از طرفی امیدواری و توقع به ظهور ولی خدا، تا او در سایه توحید اجتماعی باری تعالی به تشکیل حکومت اسلامی همت گمارد و با جهت‌دهی و استفاده از انسان‌هایی که فطرتاً اجتماعی هستند و همچنین اجرای اسلام جامع‌نگر و حقیقی در دنیای پیوندخورده به آخرت، جامعه توحیدی و حاکمیت نهایی حق بر روی زمین را برقرار کند و تحت حاکمیت حق، تمام استعداد‌های انسان‌ها را به ظهور و بروز رسانده، آنان را به کمال نهایی و قرب الهی نائل کند». بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای به انتظار سازنده اجتماعی معتقد است.

به باور آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج، مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی اینکه اگر بشر می‌بیند طواغیت عالم، تُرک‌تازی و چپاول‌گری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌نمایند، بدانند که این وضعیت، گذرا است و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه و استقرار حکومت عدل است. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارها است، یک مصداق از

انتظار فرج است؛ اما انتظار فرج مصداق‌های دیگری هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید؛ بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل‌گشوده‌شدن است. مسلمان با درس انتظار فرج می‌آموزد که هیچ بن‌بستی در زندگی فردی و اجتماعی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد، بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد. وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس انتظار واقعی و امید به همه انسان‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

بر این اساس از آنجایی که انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند، معلوم می‌شود انتظار از سنخ عمل، تلاش، آماده‌سازی، تقویت انگیزه، نشاط، حرکت و پویایی در تمام زمینه‌ها است؛ نه بی‌عملی و دست روی دست گذاشتن. پس هیچ وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مایوس شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

فاصله میان حضرت حجت و ما، به معنای فاصله یک امام و مأموم و یک پیشرو و دنباله‌رو است (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۱/۱۲). اگر امام زمان علیه السلام دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد، ما نیز باید به سهم خودمان در زمینه‌سازی این دنیا بکوشیم. اگر خورشید منوری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منور خواهد کرد، این بدان معنا نیست که ما وقتی در شب تاریک نمی‌توانیم خورشید بیافرینیم، چراغی هم روشن نکنیم (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۱/۱۲).

معنای ویرانگر و تخدیری انتظار، این است که از هر عمل مثبت، مجاهدت و اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا امام زمان علیه السلام خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفساد را برطرف نماید که این معنای غلط با ظهور انقلاب اسلامی ایران باطل یا کم‌رنگ شد.

انتظار صحیح، دارای ابعاد گوناگونی است؛ از جمله اینکه یک بعد آن به معنای قانع نشدن به وضع موجود است؛ یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود

آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم تا ظرفیت نیکی عالم پُر شود. یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنان به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی روزی سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بُعد دیگر انتظار، این است که منتظر، با اعتماد، شوق و امید حرکت کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای انتظار را انتظار سازنده اجتماعی دانسته، آن را در برابر انتظار ویرانگر قرار داده است. انتظار سازنده و صحیح اجتماعی، یعنی اینکه ما امید داریم این دنیای سرشار از ظلم و بی‌عدالتی در سایه تلاش، مجاهدت و فعالیت بی‌وقفه ما، روزی به جهانی عاری از بدی و زشتی تبدیل شود (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). امام زمان علیه السلام باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد، حق را غالب نماید، عدل را در زندگی مردم حاکم کند، پرچم توحید را بالا ببرد و انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند؛ بنابراین انتظار فرج، یعنی کمر بسته و آماده بودن از همه جهت برای آن هدفی که حضرت حجت برای آن قیام خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

### نتیجه‌گیری

آنچنان که از منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به دست می‌آید، مبانی حکمی-قرآنی انتظار سازنده اجتماعی از منظر این بزرگوار عبارتند از: توحید اجتماعی، ولایت، پیوند دنیا و آخرت، جامعیت اسلام، انسان اجتماعی فطری، حاکمیت حق و کمال‌گرایی انسان. همچنین بر اساس مبانی فوق؛ عدالت اجتماعی، مجاهدت، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق، تشکیل حکومت اسلامی و وحدت امت اسلامی، اصول حکمی - قرآنی انتظار در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به شمار می‌آیند.

به باور رهبر معظم انقلاب، انتظار سازنده اجتماعی، یعنی «تلاش، مبارزه و مجاهدت انسان‌ها و مسلمان‌های حق‌جو در جهت برپایی حکومت اسلامی، تقویت عقلانیت، تقویت معنویت و اخلاق و تشکیل امت واحده اسلامی برای برقراری عدالت فردی و اجتماعی و زمینه‌سازی ظهور، و از طرفی امیدواری و توقع به ظهور ولی خدا، تا او در سایه توحید اجتماعی باری تعالی به تشکیل حکومت اسلامی همت گمارد و با

جهت‌دهی و استفاده از انسان‌هایی که فطرتاً اجتماعی هستند و همچنین اجرای اسلام جامع‌نگر و حقیقی در دنیای پیوندخورده به آخرت، جامعه توحیدی و حاکمیت‌نهایی حق بر روی زمین را برقرار کند و تحت حاکمیت حق تمام استعدادهای انسان‌ها را به ظهور و بروز رسانده، آنان را به کمال‌نهایی و قرب‌الهی نائل کند.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی. قم: دار سیدالشهداء.
۲. اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی علیه السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. بازرگان، مهدی. (۱۳۷۷). خدا و آخرت، هدف بعثت انبیاء. تهران: رسا.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۰ الف). روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا. بی‌جا. مؤسسه انجمن کتاب.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۰ ب). بیانات. برگرفته از: منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۵). بیانات. برگرفته از: منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ج ۱، ص ۱۹۱.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶ الف). بیانات در مسجد چهار مردان قم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶ ب). بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۶ ج). بیانات. برگرفته از: منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۷ الف). بیانات. برگرفته از: منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۷ ب). سخنرانی در میان افشار مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸ الف). بیانات در دیدار با دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>



۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸ ب). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸ ج). بیانات در دیدار با مسئولان و کارکنان کشوری و لشکری و جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸ د). بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استانهای فارس و هرمزگان و شهرهای قزوین، تاکستان، ابهر، شاهین‌شهر، ساری، کیاسر، فریدون‌کنار، بهشهر، و فرماندهان منطقه‌ی یکم دریایی و سپاه پنجم عاشورای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸ ه). بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار «تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی .:». برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰ الف). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰ ب). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰ ج). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱ الف). بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱ ب). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱ ج). بیانات. برگرفته از: منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲ الف). بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲ ب). بیانات در دیدار هیأت دولت. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ الف). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ ب). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۴ ج). بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵ الف). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵ ب). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵ ج). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶ الف). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶ ب). پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷ الف). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷ ب). بیانات در دیدار وزیر و مسئولان آموزش و پرورش. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>

۳۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷ ج). گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹ الف). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۳۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹ ب). بیانات در دیدار گروهی از جوانان استان اردبیل. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰). بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱ الف). بیانات در دیدار گروهی از پاسداران. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱ ب). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲). بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). پیام به کنگره عظیم حج. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶). بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ الف). بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۴۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ ب). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>

۵۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ ج). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷ د). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸). بیانات در سالروز عید مبعث. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹ الف). بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹ ب). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان مهدویت. برگرفته از: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۵۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). ولایت و حکومت. تهران: مرکز صهبا.
۵۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: ایمان جهادی.
۵۸. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۹. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲). شرح دعاء السحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۶۰. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۶). مدارا و مدیریت. تهران: صراط.
۶۱. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). المیزان. بیروت: الأعلمی.
۶۲. طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۳. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ ق). الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). کافی. تهران: اسلامیه.
۶۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). در جستجوی عرفان اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۶۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۶۷. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ ق). الغیبة. تهران: صدوق.